

ذره‌بین

دسیسه سرقت سهیلا و سمیرا

سارقان خانه پیرمرد تنها دستگیر شدند. دهم دی ماه‌سال جاری پرونده‌ای به داد‌خواهی یکی از شهروندان توسط کلانتری ۱۲۶ تهرانپارس به پایگاه چهارم پلیس آگاهی واصل و تحت پیگیری کارآگاهان این پایگاه قرار گرفت.

شاکي پس از حضور در پایگاه چهارم عنوان داشت حدود ۱۰روز پیش با توجه به تنهایی، کپولت سن و ناتوانی در اجرای امورات شخصی خود در شبکه مجازی برای استخدام پرستار یک آگهی درج کردم. چند نفری با من تماس گرفتند که به توافق نرسیدیم و درنهایت یک زن هفتم دی ماه با من تماس گرفت و درموارد اولیه به توافق رسیدیم و قرار شد به خانه من مراجعه و شروع به کار کند.

شاکي در ادامه به کارآگاهان گفت: «در زمان مقرر دو زن به نام سهیلا و سمیرا که یکی از آنها حدود بیست‌ساله و دیگری حدود سی‌ساله بود به خانام مراجعه کردند. سهیلا خود را به‌عنوان پرستار معرفی کرد و علت حضور همراه را از ایشان سوال کردم که بیان داشت دختر خاله‌اش است و از شهرستان آمده‌وفردبا شه‌رشان برمی‌گردد.

سهیلا با رضایت من شروع به کار کرد و با انجام کارهایی اعتمادم را جلب کرد. آنها پس از خوردن شام در میان صحبت‌هایشان درباره محل نگهداری طلا و پول نقد سوال‌هایی از من پرسیدند و من هم از روی سادگی و بی‌خبری از هدف آنها اطلاعات رادر اختیارشان قرار دادم و پس از اتمام کارهای روزانه به اتاق مخصوص پرستار رفتند و من هم در اتاقم خوابیدم. صبح که بیدار شدم، دیدم زودتر از من بیدار شدند و وسایلی صبحانه را آماده کرده‌اند. پس از صرف صبحانه لیوانی که داخل آن یک دمنوش بود به من دادند و خودشان جای ساده خوردند که من ۱۰ دقیقه پس از خوردن جای بی‌هوش شدم و دیگر چیزی نفهمیدم. زمانی که به هوش آمدم مشاهده کردم که آن دو نفر با یک کازتن از خانام خارج شدند و من به خیابان رفتم و دیدم که با یک پراید از محل متواری شدند.

کارآگاهان پس از اظهارات شاکي و بررسی محل سرقت، اقدام به بازبینی فیلم‌های ضبط شده دوربین‌های مدار بسته کردند و موفق شدند تصاویر سارقان و شماره پلاک خودروی پراید را استخراج کنند. با استعلام پلاک خودروی پراید و پس از هماهنگی قضائی مالک خودرو در این پایگاه حاضر و در تحقیقات به عمل آمده مشخص شد راننده تاکسی اینترنتی است و سارقان را با توجه به درخواست دریاقتی به مقصد خیابان دماوند برده است و هیچ اطلاعات دیگری از سارقان ندارد.

از شرکت مسافربری اینترنتی مربوطه درباره تمامی سفرهای درخواستی استعلام شد که بیشترین سفرها در محدوده میدان امام حسین(ع) و خیابان‌های اطراف بود و با توجه به آدرس به دست آمده آکیبی از کارآگاهان این پایگاه به موقعیت اعزام شدند و در تحقیقات میدانی به عمل آمده هر دو متهم شناسایی و در شانزدهم بهمن ماه دستگیر و به پایگاه چهارم منتقل شدند.

رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ با اعلام این خبر گفت: «متهمان در تحقیقات اولیه منکر سرقت شدند، ولی با توجه به ارایه مدارک و مستندات کارآگاهان به جرم خود اعتراف کردند. سهیلا بیان داشت موضوع سرقت را با خواهرم در میان گذاشتم و نقشه سرقت را طراحی کردیم و با برنامه قبلی با شاکي تماس گرفتم و به خانه او رفتم و اموال با ارزشش را سرقت کردیم و در خانه پدرم مخفی شدیم.»

با توجه به تکمیل تحقیقات پرونده و اعتراف متهمان به جرم و کشف اموال سرقتی به دستور مقام قضائی هر دو متهم طی قرار قانونی روانه زندان شدند. □

مرد شیشه‌ای دوزن را در فسا به قتل رساند

مرد شیشه‌ای مادر و همسر خود را در شهرستان فسا کشت و فرار کرد. کارآگاهان پلیس اعزامی به محل وقوع قتل، اعلام کردند قاتل با استفاده از اسلحه گرم، مادر و همسرش را کشته است. پلیس به دنبال ردی از عامل جنایت است. □

روایت پدر و پزشک جراح از اصابت گلوله ساچمه‌ای به سر پسر بچه ۲ ساله

خنده‌های «علی» کوچولو پس از معجزه نجات

برادر این پسر بچه اشتباهی گلوله را شلیک کرده بود



پیشانی‌اش اصابت کرده بود؛ گلوله‌ای که هر لحظه امکان داشت جان پسر بچه دو ساله لارستانی را بگیرد. پدر و مادرش امیدی به زنده ماندن پسر کوچک‌شان نداشتند. برادر نوجوانش اشتباهی او را زده بود. علی دو ساله را به اتاق عمل بردند؛ با آن گلوله‌ای که درون مغزش جا خوش کرده بود. دکتر شاهین نیک‌منظر عمل سخت را شروع کرد. خانواده «راهی» پشت درهای بسته اتاق عمل دست به دعا برداشته بودند. بعد از ۶ ساعت همان معجزه‌ای که هیچ‌کس امیدی به آن نداشت، رخ داد: جراحی موفقیت‌آمیز بود و علی راهی توانست به زندگی برگردد. پسر بچه کوچکی که حالا می‌تواند بخندد، راه برود و زندگی کند. کودکی که هرگز کسی تصورش را نمی‌کرد، طلوع آفتاب را دوباره ببیند؛ اما گلوله موفقیت‌آمیز از مغزش خارج شد و زنده ماند.

این ماجرا ظهر روز دوشنبه رخ داد. خانواده راهی در خانه‌باغ خانوادگی جمع شده بودند. میهمان‌ای که بیشتر اعضای فامیل در آن حضور داشتند. علی و برادرش به همراه دیگر بچه‌ها در حیاط مشغول بازی بودند. ناگهان صدای شلیک تیری همه را غافلگیر کرد. پدر و مادر علی در حیاط با جسم نیمه‌جان پسرشان غرق در خون مواجه شدند و دستان زده پسر بزرگ‌ترشان که از این شوک بزرگ نمی‌توانست حرکت کند، همه چیز از یک‌تمرین شکار شروع شده بود. برادر پانزده‌ساله علی با پسر خاله‌اش داشتند تمرین می‌کردند. در دست‌شان یک اسلحه ساچمه‌ای بود. قوطی را نشانه گرفته بودند و می‌خواستند شلیک کنند. برادر علی نشانه‌گیری کرد و دستش را روی ماشه گذاشت. اما درست در عرض یک ثانیه وقتی ماشه را کشید، علی را رو به‌رو خود دید ولی دیگر دیر شده بود. پسر بچه بازیگوش در یک لحظه خودش را به هدف نزدیک کرد و تیر به جای قوطی به پیشانی این بچه برخورد کرد. از صدای شلیک گلوله و بعد از آن هم جیغ و فریاد بچه‌ها، اعضای خانواده خود را به حیاط پشت خانه رساندند و با صحنه دلخراش مواجه شدند. علی را در حالی به بیمارستان رساندند که اصلا امید نداشتند. پسر بچه خونریزی داشت و باید هر چه زودتر عمل می‌شد. برای همین دکتر شاهین نیک‌منظر، جراح مغز، این عمل را به عهده گرفت؛ عملی سخت ولی معجزه‌آسا. «وقتی بچه را به مرکز درمانی امام‌ضلع) در لارستان آوردند، بلافاصله از سرش عکس گرفتیم. تیر از وسط پیشانی رد شده، در مغزش مسیری را طی کرده و در نهایت داخل بافت عمقی مغز گیر کرده بود. تنها شانس‌ی که این بچه آورد، این بود که تیر از قسمت‌های حیاتی مغزش رد نشده بود و گرنه درجا جان می‌باخت. من خودم تجربه جراحی مغز زیاد داشتم، اما هیچ‌وقت عمل خارج‌کردن گلوله را انجام نداده بودم؛ این اولین بار بود. از طرفی در مراکز درمانی شهرستان‌ها امکانات

کافی نیست؛ مثلا در بیمارستان‌های مجهز، دستگاه Neuro navigation دارند. این دستگاه با قابلیت سیستم راهبری هوشمند، آناتومی عضو مورد جراحی را با تصاویر سی‌تی‌اسکن وام‌آر‌آی تطبیق داده و دقیق‌ترین مسیر را برای رسیدن به عضو آسیب‌دیده مشخص می‌کند. در صورتی که در بیمارستان ما این امکان وجود نداشت، با این حال امکان انتقال بیمار هم نبود؛ چون خونریزی داشت و باید عجله می‌کردیم. برای همین ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه عمل را به همراه دکتر محبی، متخصص بیهوشی، شروع کردیم. در بررسی‌ها تشخیص شکستگی استخوان پیشانی و آسیب مغزی در ناحیه پیشانی هم داده شده بود. برای همین در دو مرحله عمل جراحی انجام شد. ابتدا ناحیه پیشانی باز و بافت آسیب‌دیده مغزی و استخوان‌های فرورفته در مغز خارج شد و سپس با برش متفاوت نواحی پشتی مغز و به کمک عکسبرداری متعدد محل گلوله مشخص و این گلوله با موفقیت از سر بیمار خارج شد. با توجه به درگیر بودن عصب بیمار و حساسیت آن این عمل سخت و طاقت‌فرسا ۶ ساعت طول کشید. ساعت یک‌ونیم بود که جراحی به پایان رسید. حالا حال علی بسیار خوب است و هیچ خطر مرگی او را تهدید نمی‌کند. فقط در بیمارستان بستری شده تا

کافی نیست؛ مثلا در بیمارستان‌های مجهز، دستگاه Neuro navigation دارند. این دستگاه با قابلیت سیستم راهبری هوشمند، آناتومی عضو مورد جراحی را با تصاویر سی‌تی‌اسکن وام‌آر‌آی تطبیق داده و دقیق‌ترین مسیر را برای رسیدن به عضو آسیب‌دیده مشخص می‌کند. در صورتی که در بیمارستان ما این امکان وجود نداشت، با این حال امکان انتقال بیمار هم نبود؛ چون خونریزی داشت و باید عجله می‌کردیم. برای همین ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه عمل را به همراه دکتر محبی، متخصص بیهوشی، شروع کردیم. در بررسی‌ها تشخیص شکستگی استخوان پیشانی و آسیب مغزی در ناحیه پیشانی هم داده شده بود. برای همین در دو مرحله عمل جراحی انجام شد. ابتدا ناحیه پیشانی باز و بافت آسیب‌دیده مغزی و استخوان‌های فرورفته در مغز خارج شد و سپس با برش متفاوت نواحی پشتی مغز و به کمک عکسبرداری متعدد محل گلوله مشخص و این گلوله با موفقیت از سر بیمار خارج شد. با توجه به درگیر بودن عصب بیمار و حساسیت آن این عمل سخت و طاقت‌فرسا ۶ ساعت طول کشید. ساعت یک‌ونیم بود که جراحی به پایان رسید. حالا حال علی بسیار خوب است و هیچ خطر مرگی او را تهدید نمی‌کند. فقط در بیمارستان بستری شده تا

پسر بچه ۱۰ ساله غروب جمعه در میبد هنگام جمع‌آوری زباله طعمه سگ‌های ولگرد شد

سرانجام شوم «امیر»

شدن امیر را به خانواده‌اش اطلاع داد. آنها هم موضوع را به پدر امیر گفتند. ظاهر مردم محلی همراه با خانواده امیر چند ساعتی را در همان حوالی دنبال او گشتند و هنگامی که از جست‌وجو ناامید شدند، موضوع را به آتش‌نشانی اطلاع دادند. آتش‌نشانی هم همزمان با اعزام دو تیم به محل حادثه از نیروهای هلال احمر درخواست کمک کرد، اما وسعت این منطقه باعث شد پلیس و نیروهای نظامی هم دست به کار شوند تا شاید رد و نشانی از این پسر بچه پیدا کنند.

آن‌طور که نقوی شهردار میبد می‌گوید محل حادثه یا همان مزرعه کلانتر، نزدیک کشتارگاه‌های قدیمی این شهر است. دفن لاشه‌های دام باعث شده این منطقه سگ‌های ولگرد زیادی داشته باشد. علاوه برآنکه چند سالی است دپوی زباله‌ها هم به‌صورت غیرقانونی در این منطقه زاد و ولد سگ‌های ولگرد را بیشتر کرده و مهاجران و حاشیه‌نشین‌های زیادی را به امیدکسب درآمد به اینجا کشانده است. او در توضیح جزئیات این حادثه به «شهرود» می‌گوید: «نیروهای امدادی تقریباً ۲ ساعت بعد از حادثه باخبر شدند، عملیات جست‌وجو با حضور نیروهای آتش‌نشانی، هلال احمر، پلیس؛ بسیج و سپاه تا ساعت ۸ صبح ادامه داشت. در نهایت پیکر بی‌جان این کودک در یکی از گودال‌های منطقه پیدا شد.»

اما این برای نخستین بار نیست که سگ‌های ولگرد در میبد خبرساز می‌شوند. یک‌سال پیش بود که اتفاقی مشابه در همین شهر جان یک کودک افغان را هم گرفت. نام او «نسیم» بود. پسر بچه ۹ ساله‌ای که همراه پدر و مادرش چندسالی می‌شد در ایران زندگی می‌کردند. اما در یکی از روزهای زمستان‌سال گذشته این پسر بچه افغان در اطراف یکی از مرغداری‌های میبد طعمه سگ‌های ولگرد شد و جان باخت. □

مکت

قتل همسر در مرخصی از زندان

«شهرود» کارآگاهان پلیس آگاهی زندانی‌ای که هنگام مرخصی به دلیل اختلافات خانوادگی همسرش را به قتل رسانده بود، شناسایی و دستگیر کردند. روزهای پایانی آذرماه امسال گزارشی از خودکشی زنی در خانه‌اش که در یکی از محله‌های پلیس، مشخص شد که این فرد به پلیس ۱۱۰ اعلام شد و بلافاصله تیمی از کارآگاهان پلیس برای بررسی موضوع به محل اعزام شدند. بررسی‌های مقدماتی صحنه نشان از خودکشی زنی بیست‌ونه‌ساله داشت که با توجه به شک کارآگاهان پلیس، تحقیقاتی تخصصی برای بررسی موضوع آغاز شد. در فرآیند اقدامات کارشناسی پلیس، مشخص شد که این فرد به قتل رسیده است و کارآگاهان در بازجویی از بستگان مقتول به همسر او که در زندان بود، مشکوک شدند. با تکمیل تحقیقات، اسناد و مدارک لازم از ارتکاب به قتل همسر مقتول به دست آمد و با هماهنگی مرجع قضائی این مرد دستگیر شد. مرد دستگیر شده در بازجویی‌ها به ارتکاب قتل همسرش در دوران مرخصی از زندان اعتراف و دلیل این اقدام را برخی اختلافات خانوادگی عنوان کرد. پرونده‌ای در این زمینه تشکیل و برای انجام مراحل قانونی به مراجع قضائی ارسال شد. □

واژگونی آمبولانس در مرکز تهران

یک آمبولانس به دلیل سرعت زیاد در خیابان طالقانی واژگون شد. حوالی ساعت ۱۰ و ۳۵ دقیقه روز شنبه یک آمبولانس متعلق به بخش خصوص درحال حرکت در مسیر خیابان طالقانی بود که قبل از پل حافظ از مسیر خود منحرف و به سمت راست خودرو واژگون شد که در پی آن عوامل راهنمایی و رانندگی در محل حاضر شدند.

در بررسی‌ها مشخص شد که این آمبولانس درحال حرکت به سمت بیمارستان مسیح دانشوری بود. در این آمبولانس بیماری نبود و تنها راننده و سرنشین در آن حضور داشتند که به هیچ‌یک از آنان آسیبی جدی وارد نشد.

رئیس مرکز فرماندهی و کنترل ترافیک پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ‌ترین علت تصادف را سرعت زیاد و نداشتن توانایی راننده در کنترل وسیله نقلیه اعلام کرد و گفت: «عوامل راهور با مدیریت ترافیک اقدام به بازگشایی مسیر کردند و درحال حاضر تردد بدون هیچ مشکلی در خیابان طالقانی درحال انجام است.» □

پایان پرسه‌های دو کیف قاپ در شهر

«شهرود» دو کیف قاپ که ۹ شاکي در پرونده سرقت‌هایشان دارند، بازداشت شدند. بیست‌وپنجم اردیبهشت ماه‌سال جاری پرونده‌ای دایر بر سرقت تلفن همراه به شیوه قاپیدن از جانب دوسارق موتورسوار از کلانتری ۱۴۷ گلرگ به پایگاه چهارم پلیس آگاهی ارسال شد که برابر تحقیقات صورت‌گرفته مشخص شد شاکي در فلکه اول تهرانپارس درحال استفاده از تلفن همراه بوده که یک موتورسیکلت آپاچی سفید‌رنگ به او نزدیک می‌شود و تلفن همراهش را سرقت می‌کنند. پس از ثبت اظهارات شاکي، کارآگاهان با بررسی صحنه جرم و یکسری اقدامات پلیسی موفق می‌شوند راکب موتورسیکلت را به نام مصطفی بیست‌وپنج‌ساله که از مجرمان سابقه‌دار بود، شناسایی کنند. با دست آمدن هویت یکی از سارقان کارآگاهان به دنبال شناسایی مخفیگاه او بودند که مشخص شد مصطفی هر روز برای خوردن جگر به مغازه‌ای در خیابان پیروزی مراجعه می‌کند. کارآگاهان با تحت نظر قرار دادن مغازه جگرکی موفق می‌شوند در عملیاتی غافلگیرانه مصطفی را دستگیر کنند. پس از دستگیری و انتقال مصطفی به پایگاه چهارم و مواجهه با شاکي لب به اعتراف گشود و گفت: «سرقت‌ها را با همدستی یکی از دوستانم به نام جمشید نوزده‌ساله انجام داده‌ام. با موتورسیکلت در خیابان‌های شرق تهران می‌چرخیدیم و پس از انتخاب سوزه‌های خود به آنها نزدیک می‌شدیم و در اقدامی سریع موبایل‌شان را قاپیده و پس از دور شدن از صحنه سرقت، موبایل‌ها را با قیمت‌های پایین به رهگذران می‌فروختیم.» با به دست آمدن مشخصات همدست مصطفی کارآگاهان پاتوق جمشید واقع در پارک بسیج رانشناسی و در یک اقدام ضربتی او را در بیست‌وهشتم‌دی‌ماه دستگیر کردند. با اعتراف متهمان و تلاش کارآگاهان تعداد ۹ نفر از شاکیان شناسایی شدند. □